

ثبث رقم نواب نایب السلطنه

عالیجاه بلند جایگاه، فطانت و کیاست همراه، شهامت و فخامت آگاه، بسالت و نبالت اکتناه، عمده‌الاعظم‌العیسویه، مستر کمبل ایلچی دولت بهیة انگلیس به توجّهات خاطر والا مخصوص بوده بداند که چون مابین دولتین بهیئتین ایران و انگلیس هنگامه موافقت به حدی گرم شده که از حد دوستی تجاوز کرده به مرحله یگانگی رسیده است، لهذا شایسته آن است که واقعات اتفاقیه این دولت و این مملکت را از روی کمال یک جهتی به آن عالیجاه که ایلچی دولت بهیة انگلیس است اظهار کنیم. قبل ازین گزارش قلعجات قوچان و شیروان و رفع خودسری اکراد خراسان را مرقوم داشته بودیم، بعد از فراغ از کار آنها که مراجعت به اراض اقدس نمودیم، چون اعلیحضرت همایون شاهنشاه ظل‌الله روحانفاده، هنگام شرفیابی ما در اردوی ده کرد اصفهان حکمی مخصوص فرموده بودند که بازار برده فروشی سرخس برچیده و رسم بیع و شرای اسیر در مملکت شاهنشاهی برانداخته شود، جرأت نکردیم و طاقت نیاوردیم که زیاده از دو روز مکث و توقف نمائیم، صبح روز سیم با سه هزار سوار جرار و هزار سرباز تفنگچی یابودار، متوکلا علی‌الله، از شهر برآمده و در مدت یک شبانه روز سی فرسخ راه راندیم. و چون ملترمین رکاب به هرچه مال و دواب که در عرض راه بود مطلقاً التفات نکردند، چنان تا لب رود سرخس رسیدیم که هیچ خبر به مردم شهر سرخس نرسیده بود. پس ملاحظه رحم و رأفتی که حق سبحانه و تعالی در طبع کریم شاهنشاه جمجاه روحنا فداء تعبیه کرده، بر خود فرض کردیم که ابتدا به استمالت ترکمانان سالور کوشیم و کار آنجا را بی آن که دولشکر درهم آویخته و از هر طرف خونی ریخته شود بگذرانیم.

حاکم آنجا از بی‌آدمی تاب نیاورده، قلعه آنجا را تصرف کرده. به مجرد وصول این خبر نواب امیرزاده اعظم دو فوج افشار و جمعیت مکرری که به قدر سه هزار نفر می‌شد مامور به تنبیه او فرمودند.

همچنان که پیشتر خدمت جناب آصف‌الدوله نوشته بودم بعد از ورود قشون منصوره و توپخانه مبارکه به آنجا اول طوایف اکراد بلباس و بیران که از عشاير معظم او بود تاخت و تاراج نموده و بعد بر سر قلعه سردشت رفته، ده روز قلعه را محاصره کرده توپ بسیار زده. شب یازدهم قلعه را به یورش تسخیر کرده، برخی از جمعیت رواندوز را به قتل رسانده و برخی دستگیر شده و بعضی فرار کرده. و بعد از آن عالیجاه مقرب‌الحضرت العلیه محمدخان سرتیب به آن جمعیت و سربازان خوئی و دو دسته از فوج بهادران و سربازان قراداغی و سواره اکراد و غیره با هشت عراده توپ و خمپاره مامور و روانه رواندوز شده است. و از آن طرف وزیر بغداد هم سه چهار عراده توپ و دو هزار جمعیت از ضابطه و غیره به همراهی سلیمان پاشا بر سر او فرستاده که مشارالیه [را] تنبیه نمایند.

هرگاه نواب امیرزاده اعظم او را مخالف و روگردان دولت عثمانی نمی‌دانستند، قشون مامور خاک روم نمی‌فرمودند، اما این نادرست روگردان هردو دولت است. این که شما به ایلچی متوقف اسلامبول این مطلب را نوشته‌اید که به امنای دولت عثمانی حرف بزنند، بسیار خوب کرده‌اید، لکن اگر این عمل او را کارگران حضرت ولی‌النعمی متحمل می‌شدند، فردا که از آن طرف فراغتی حاصل می‌نمود جسارت دیگر می‌کرد هوار زمستان می‌شد، استعداد دیگر و زیادتر برای دفع او لازم و وجوب کلی بهم می‌رسانید. پس در این صورت بهتر این بود که درین وقت دفع او را کرده. زیاده چه نویسند، متوقع است همه روزه مهمات را قلمی دارند.